



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- بیان مسئله

در گفتمان تدبر، کشف غرض سوره مهمترین تلاشی است که متدبر پس از انجام مراحل گوناگون فهم محتوای سوره، کشف ساختار سوره و استفاده از عناصر و مؤلفه‌های مختلفی چون عنوان سوره، روایات سبب نزول سوره، مطلع و ختام سوره، سوگندها و حروف مقطعه، واژه‌های تک کاربرد و ... بدان دست می‌یابد. در میان عناصر نام‌برده، سیاق نخست (مطلع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و فرآیند کشف غرض سوره با به‌کارگیری آن آغاز می‌شود. در این روش، آغاز فرآیند کشف غرض با سیاق نخست سوره، نه تنها نظم و نظام خاصی بدین فرآیند می‌بخشد، بلکه فراتر از آن، ضریب دقت و سهولت کشف غرض را تا اندازه‌ی زیادی افزایش می‌دهد. بدین ترتیب که با تمرکز بر سیاق نخست سوره، همه یا بخش مهمی از غرض سوره رونمایی می‌شود و بقیه‌ی مراحل کشف غرض با ابتدای بر محور سیاق نخست انجام می‌گیرد. در واقع، توجه به سیاق نخست، دیگر مراحل کشف غرض را راهبری و جهت‌دهی می‌کند تا فرآیند کشف غرض با دقت و سرعت بیشتری پیش رود و متدبر در موضوعات متعدد، گرفتار نیاید و بتواند با استفاده از معیار سیاق نخست، موضوعات کانونی و اولویت‌دار را دقیقاً تشخیص دهد.

۲. پیشینه

با وجود جایگاه مهم سیاق نخست در مباحث غرض‌شناسی، پژوهشی خاص یا حتی پژوهشی عام، پیرامون این موضوع انجام نشده است. جز برخی آثار تفسیری، قرآنی و تدبری که به غرض سوره توجه دارند، بی‌آنکه نگاهی خاص به سیاق نخست سوره داشته باشند و غرض سوره را با ابتدای بر سیاق نخست شناسایی کنند. برخی از این

آثار تفسیری و تدبری عبارتند از: از: «المیزان فی تفسیر القرآن»، «علوم قرآنی»، «من هدی القرآن»، «تفسیر المراغی»، «الاساس فی التفسیر»، «المنهج البنائی فی التفسیر»، «درس‌نامه‌ی روش تدبر در قرآن»، «درس‌نامه‌ی تدبر ترتیبی در قرآن»، «ساختار هندسی سوره‌های قرآن»، «احسن الحدیث»، «فی ظلال القرآن»، «تفسیر المنار»، «أهداف كل سورة و مقاصدها»، «تناسق الدرر فی تناسب السور»، «المدخل إلى دراسة القرآن الکریم»، «المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء»، «الوحدة الموضوعیة فی القرآن الکریم»، «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» و «التحریر و التنویر».

در کنار این آثار، اخیراً پژوهش‌هایی انجام شده است که غرض سوره‌های مختلف قرآن را با روش‌های گوناگون تعیین کرده‌اند، بی‌آنکه توجهی ویژه به سیاق نخست سوره داشته باشند و از آن جایگاه خاص آن استفاده کنند. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: «اعتبارسنجی رهیافت‌های کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن»، «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب»، «ساختار معنایی سوره‌ی احزاب و جایگاه آیه‌ی تطهیر در آن».

با توجه به پیشینه‌ی مذکور، این ایده روشی نو در غرض‌شناسی سوره قلمداد می‌شود که علاوه بر نو بودن، می‌تواند مسیر و فرآیند غرض‌شناسی را تدقیق و تسریع بخشد و از بسیاری پراکندگی‌ها و سردرگمی‌ها جلوگیری کند.

۳. مفاهیم

در این نوشتار، برخی از واژه‌ها در معنای اصطلاحی به کار رفته‌اند؛ این واژه‌ها عبارت‌اند از: سبقت ذکری: منظور از سبقت ذکری، مقدم شدن و پیشی گرفتن برخی واژه‌ها و مفاهیم بر دیگری است. این اصطلاح به «مطلع» در دانش بلاغت نزدیک است. از این

روش به کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان زاده ۳۱۹

قاعده می‌توان در تشخیص موضوعات و مفاهیم مهمتر بهره گرفت. بدین ترتیب که هر موضوع و مفهومی که از دیگر موضوعات و مفاهیم پیش افتاده باشد، ارزش و جایگاه آن در غرض و پیام سوره بیشتر و پررنگ‌تر خواهد بود.

کثرت ذکری: منظور از کثرت ذکری، تکرار و تعدد بالای برخی واژها و مفاهیم است که نشان‌دهنده اهمیت بالای آنها می‌باشد. از قاعده‌ی «کثرت ذکری» این گونه بهره‌برداری می‌شود که حضور بیشتر واژه در سوره، نمایاننده‌ی اهمیت بیشتر آن در غرض سوره است.

حذف: قاعده‌ای تدریجی است که موضوع‌های فرعی را از اصلی شناسایی می‌کند (ن.ک: صبحی، ۱۳۸۸: ۱۳۴) و آنها را کنار می‌گذارد تا زمینه‌ی جمع‌بندی موضوع‌های اصلی فراهم گردد. از قاعده‌ی «حذف» این گونه استفاده می‌شود که در تجمیع موضوعات، مفاهیم و موضوعات فرعی و پیرو، حذف خواهند شد تا موضوع اصلی خودش را نشان دهد.

۴. روش محوریابی سیاق

جهت به کارگیری روش مذکور، لازم است روش بررسی سیاقی و محوریابی سیاق مشخص شود تا بتوان از این روش در شناسایی غرض سوره استفاده کرد. محوریابی سیاق، این است که در هر سیاق متشکل از چند آیه و احیاناً چند دسته از آیات، محور چگونه شناسایی و تعیین می‌شود؟

برای محوریابی سیاق، لازم است که نخست سیاق به دسته‌های زیرمجموعه تقسیم شود. این تقسیم از آن رو انجام می‌شود که گاه در یک سیاق، چندین دسته حضور دارند و لازم است هر دسته به صورت جداگانه محوریابی شود. علت

محوریابی دسته‌ای این است که موضوع آیات در هر دسته واحد و ثابت است و دچار تغییر نمی‌شود. از این رو محوریابی در مفاهیم مذکور برای یک موضوع ممکن و بایسته است. اما در صورت تغییر موضوع، این امکان از بین می‌رود؛ چون موضوعات متعدد هستند و هر موضوعی برای خود، هویت ویژه و مستقلی دارد که آن را از دیگر موضوعات متفاوت می‌سازد.

پس از مشخص شدن دسته‌بندی، موضوع‌گیری از آیه نخست در دسته‌ی نخست آغاز می‌شود. مفاهیم مذکور در هر دسته، بر پایه‌ی دو معیار «سبقت ذکری» و «کثرت ذکری» سنجش می‌شوند و محور (موضوع کانونی) از بین موضوعات متعدد گزینش می‌شود. به طور معمول، نخستین موضوع مهمی که در دسته عرضه می‌شود و با دیگر موضوعات، نوعی ارتباط محوری برقرار می‌کند، محور دسته می‌باشد.

پس از کشف محورهای دسته، زمینه‌ی کشف محور سیاق فراهم می‌شود. بدین ترتیب که نخست مفاهیم مشترک دسته‌ها حذف می‌شوند؛ سپس مفاهیم مرتبط تلفیق می‌شوند و در پایان، مفاهیم مختلف ترکیب می‌گردند. پس از انجام عملیات حذف، تلفیق و ترکیب روی مفاهیم به دست آمده از دسته‌ها می‌توان به محور سیاق دست پیدا کرد.

۵. تطبیق روش در سوره‌ی احزاب

برای اعتبارسنجی این روش، سوره‌ی احزاب گزینش شده است. دلیل انتخاب این سوره، حجم متوسط سوره است که مشتمل بر موضوع‌های گوناگون می‌شود و سیاق‌های متعددی را در بر می‌گیرد. تنوع موضوع‌ها و تعدد سیاق‌ها در سوره، ضریب اطمینان روش مذکور را بالا می‌برد و در صورت خطا بودن روش، نادرستی آن را مشخص می‌کند. جهت تطبیق روش، نخست سوره‌ی احزاب با استفاده از روش کشف غرض،

روش به کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان زاده ۳۲۱

غرض‌شناسی می‌شود و سپس محور سیاق نخست سوره با استفاده از روش محوریابی، شناسایی می‌گردد. چنانچه غرض سوره با محور سیاق نخست هم‌پوشانی یا ارتباط نزدیک داشته باشد، روش موردنظر به جهت روش‌شناختی اثبات می‌گردد و در صورت عدم هم‌پوشانی غرض سوره با محور سیاق نخست، نادرستی آن اثبات خواهد شد.

۵-۱. سیاق نخست (آیات ۸-۱)

همان‌گونه که گذشت، برای محوریابی سیاق، نخست سیاق به دسته‌های زیرمجموعه تقسیم شود. در سیاق نخست، با سه دسته از آیات مواجه هستیم که عبارت‌اند از: دسته‌ی اول (آیات ۳-۱)، دسته‌ی دوم (آیات ۶-۴) و دسته‌ی سوم (آیات ۸-۷). پس از مشخص شدن دسته‌بندی، موضوع‌گزاری دسته‌ی نخست با تفکیک آیات به جمله آغاز می‌شود.

دسته‌ی اول:

آیه‌ی اول: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)

جمله‌ها	يا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ	وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ	إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا
موضوع‌ها	تقوای الهی	عدم اطاعت از کافران و منافقان	علیم و حکیم بودن خدا

آیه‌ی دوم: (وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا)

جمله‌ها	وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ	إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا
موضوع‌ها	پیروی از وحی	آگاه بودن خدا

آیه سوم: (وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً)

جمله‌ها	وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ	وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً
موضوع‌ها	توکل بر خدا	کفایت وکیل بودن خدا

جهت پیدا کردن محور (موضوع اصلی) از میان موضوعات مذکور، نخست با استفاده از قاعده‌ی «حذف»، برخی موضوعات فرعی که فرعی بودن آنها روشن است، کنار گذاشته می‌شوند. موضوعات مذکور در پایانه‌های آیه، همیشه جزء موضوعات فرعی هستند که ادامه و دنباله برای موضوعات مذکور در آغازهای آیه می‌باشند. با استفاده از این معیار، موضوعات «علیم و حکیم بودن خدا»، «آگاه بودن خدا» و «وکیل بودن خدا» به عنوان موضوعات فرعی کنار گذاشته می‌شوند.

اکنون چهار موضوع «تقوای الهی»، «اطاعت از کافران و منافقان»، «پیروی از وحی»، «توکل بر خدا» نامزد احراز محور در دسته‌ی اول هستند. در بین موضوعات مانده، موضوعی که با قواعد «سبقت ذکری» و «کثرت ذکری» همراهی بیشتری داشته باشد، به عنوان محور دسته معرفی می‌گردد. در این میان، موضوع «تقوای الهی»، چهاربار در آیات ۷۰/۵۵/۳۷/۳۲ ذکر شده است و موضوع «اطاعت»، پنج مرتبه در آیات ۷۱/۶۷/۶۶/۴۸/۳۳ حضور یافته است. همچنین موضوع توکل، یک مرتبه در آیه ۴۸ ذکر شده است. با توجه به کثرت ذکری موضوع «اطاعت»، صلاحیت این موضوع جهت قرار گرفتن به عنوان محور، بیش از دیگر موضوعات است.

اما علت سبقت ذکری تقوا بر آن، بدین جهت است که در ادبیات بیانی قرآن، معمولاً هر آیه مشتمل بر یک محور است و در صورت اشتغال یک آیه بر دو موضوع، معمولاً موضوع دوم، محور خواهد بود؛ هرچند موضوع نخست از سبقت ذکری برخوردار است. این مدعا مبتنی بر این دلیل است که معمولاً متکلم برای مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی از موضوع اول استفاده می‌کند (ن.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۹/۲۱) و محور معمولاً در مقام موضوع دوم، خودش را نشان می‌دهد.

با توجه به آنچه گذشت، «عدم اطاعت از کافران و منافقان» محور دسته‌ی اول است.

دسته‌ی دوم:

آیه‌ی چهارم: (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ)

جمله‌ها	مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ	وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ	وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ	ذَلِكُمْ قَوْلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ	وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ	وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ
موضوع‌ها	عدم امکان دوگرایی بودن	ناروایی اظهار	ناروایی پسرخواندگی (ارث‌بری و نام‌گذاری)	حق نبودن سخن مردم	حق بودن سخن خدا	هادی - بودن خدا

آیه‌ی پنجم: (ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً)

جمله‌ها	ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ	فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ	وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ	وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ	وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً
موضوع‌ها	منسوب بودن هر انسانی به پدرش	در صورت پیدا نبودن نام پدر، برادر دینی یا مولی خوانده شوند.	گناه نبودن موارد سهوی	ناروایی موارد عمدی	غفور و رحیم بودن خدا

آیهی ششم: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا)

جمله ها	النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ	وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ	وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا	جمله چهارم: «كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا»
موضوعها	سزاوارتری پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خود آنها	جایگاه مادری همسران پیامبر برای مؤمنان	سزاوارتری برخی خویشان نسبت به یکدیگر جز در حالت وصیت	ثبت بودن این احکام در کتاب الهی

همان گونه که گذشت، برای رسیدن به محور دسته، نخست با استفاده از قاعده‌ی «حذف»، موضوعات فرعی کنار گذاشته می‌شود و سپس با استفاده از دو قاعده‌ی «سبقت ذکری» و «کثرت ذکری» محور دسته شناسایی می‌گردد. اما در این دسته، نیاز به طی این دو مرحله نیست؛ زیرا این دسته به صورت کامل و یک جا از جایگاه فرعی و وابسته برخوردار است و در مقام تطبیق و تمثیل برای دسته‌ی نخست است. بدین صورت که آیهی چهارم، مثالها و نمونه‌هایی را برای موضوعات ذکر شده در دسته‌ی اول گزارش می‌کند (ن.ک: مکارم، ۱۳۷۱: ۱۹۲/۱۷). مثال اول، گزاره‌ی «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» است که در مقام بیان این نکته می‌باشد که طاعت خداوند با طاعت کفار و منافقان جمع‌شدنی نیست؛ همان طاعتی که در دسته‌ی اول، پیامبر از آن نهی شدند. مثال دوم، گزاره‌ی «وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ»

است که به پدیده‌یظهار اشاره دارد که کافران و منافقان بدان عادت داشتند و پیامبر از انجام این عادت نهی شدند. مثال سوم، گزاره‌ی «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ» است و بدعتی جاهلی در مورد پسرخواندگی را بیان می‌کند و پیامبر از اطاعت از این بدعت نهی شدند و به‌جای این بدعت‌ها، به اطاعت از جریان وحی مأمور شدند. بنابراین آیه‌ی چهارم نسبت به دسته‌ی اول، فرع است و موضوعاتی را در ادامه و دنباله‌ی دسته نخست بیان می‌کند.

همین رابطه‌ی وابستگی، در آیه‌ی پنجم و ششم نیز دیده می‌شود. با این تفاوت که این دو آیه به آیه‌ی چهارم وابسته است و در ادامه و دنباله‌ی آن سخن می‌گوید؛ بدین صورت که آیه‌ی پنجم، جزئیات موضوع پسرخواندگی را بیان می‌کند که انتساب پسرخوانده‌ها به پدران حقیقی‌شان به عدالت نزدیکتر است و در صورت بی‌خبری از پدران‌شان، می‌توانید آن‌ها را برادران دینی و دوستان خود تلقی کنید، نه پسران خود. اما اگر در این انتساب، سهواً دچار خطا شدید، گناهی بر شما نیست. اما انتساب عمدی آن‌ها به غیر پدران‌شان از شما پذیرفته نمی‌گردد. همین طور آیه‌ی ششم، در ادامه‌ی دوآیه‌ی قبل، پیامبر را به عنوان پدر (قمی، ۱۳۶۳: ۱۷۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۰/۸) و همسران پیامبر را به عنوان مادر امت اسلامی معرفی می‌کند تا نادرستی احکام جاهلی پدرخواندگی وظهار را با ارائه‌ی مثال روشن کند. بخش پایانی آیه نیز با انحصار ارث‌بری در خویشاوندان نسبی، بطلان ارث‌بری پسرخواندگی را اعلام می‌کند. بنابراین آیه‌ی ۶ توضیح و تفصیلی بر آیه‌ی ۴ و ۵ است و نسبت به آن‌ها جایگاه فرعی دارد.

با توجه به آنچه گذشت، دسته‌ی دوم، دسته‌ی ای فرعی است و نقش توضیحی و تبیینی برای دسته‌ی اول است. با توجه به جایگاه فرعی این دسته، محوری برای دسته در نظر گرفته نمی‌شود.

دسته‌ی سوم:

آیه‌ی هفتم: (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا)

جمله‌ها	وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ	وَ مِنْكَ	وَ مِنْ نُوحٍ	وَ اِبْرَاهِيمَ	وَ مُوسَى	وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ	وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا
موضوع‌ها	پیمان گرفتن خداوند از پیامبران	پیمان - گرفتن	پیمان گرفتن خداوند از حضرت	پیمان گرفتن خداوند از ابراهیم علیه السلام	پیمان گرفتن خداوند از حضرت موسی علیه السلام	پیمان گرفتن خداوند از حضرت عیسی علیه السلام	گرفتن پیمان محکم خداوند از پیامبران صلی الله علیه و آله

آیه‌ی هشتم: (لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا)

جمله‌ها	لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ	وَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
موضوع‌ها	پیمان گرفتن از پیامبران بدین جهت بوده تا بتوانند راستان را از راستی‌شان سؤال کنند.	پیمان گرفتن از پیامبران بدین جهت بوده تا بتوانند برای کافران، عذابی دردناک فراهم کنند.

اما دسته‌ی سوم (آیات ۷-۸)، از پیمان خداوند با پیامبران صلی الله علیه و به- ویژه پیمان با پیامبران اولوالعزم صلی الله علیه سخن می‌گوید. کشف ارتباط این دسته با دسته‌های پیشین در گرو کشف ارتباط این پیمان با موضوعات پیشین است. با توجه به اینکه دسته‌ی دوم، دسته‌ای فرعی بود، موضوع مرتبط با پیمان مذکور در دسته‌ی نخست جستجو می‌شود. از آنجا که محور سیاق نخست، «عدم اطاعت از کافران و

روش به‌کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان‌زاده ۳۲۷

مناققان» بود، منظور از پیمان خداوند با پیامبران، همین مفهوم «عدم اطاعت از کافران و منافقان» است. آنچه این مدعا را تقویت می‌کند، نکات تدریجی و تفسیری ذیل است:

✓ حضور واژه‌ی «کافرین» در دسته‌ی سوم که در دسته‌ی اول هم ذکر شد.

✓ استفاده از واژه‌ی «صادقین» در این دسته، بدین جهت است تا صدق را به عنوان شاخصه‌ی جبهه‌ی ایمان در برابر جبهه‌ی کفر معرفی کند؛ همان شاخصه‌ای که مسلمانان منافق ندارند و به خاطر نداشتن این شاخصه در گروه کفر قرار می‌گیرند. چنانکه برخی از مفسران، تعبیر «لیسئل الصادقین عن صدقهم» را این گونه تفسیر کردند که از صادقان خواسته می‌شود تا صدق باطنی‌شان را اظهار کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۹/۱۶)؛ همان صدقی که بسیاری از مسلمانان فاقد آن هستند و به همین دلیل در گروه کافران جای می‌گیرند.

✓ مفسرانی چند، پیمان مذکور در دسته‌ی سوم را این گونه تفسیر کرده‌اند که خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تقوای الهی پیشه کند و از کسی بیم نداشته باشد. سپس پیامبر را به پیمان گرفته‌شده از پیامبران یادآور شد تا دستورات الهی را بدون محافظه‌کاری (ملاینه) با کافران و منافقان تبلیغ کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۹۹/۲۱) و هیچ بیم و ترسی به خود راه ندهند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۵۹/۲۵). این تفسیر از آیه‌ی مذکور، نشان می‌دهد که دسته‌ی سوم با دسته‌ی اول ارتباط می‌گیرد و به جهت مفهومی در ادامه و دنباله‌ی آن قرار می‌گیرد. این ارتباط بین دو دسته بدین گونه است که عدم اطاعت از کافران و منافقان، پیمانی است که خداوند از همه‌ی پیامبرانش و به‌ویژه پیامبران اولوالعزم بر آن تعهد گرفت. همچنین برخی از مفسران، حرف «واو» در ابتدای آیه‌ی هفتم را حرف عاطفه دانسته‌اند که آیه‌ی هفتم را به دسته‌ی اول عطف می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۹۸/۲۱). این پیوند لفظی میان آیه-

ی هفتم و دسته‌ی اول، گواه روشن و محکمی بر این است که منظور از پیمان گرفته- شده از پیامبران، همان مفهومی است که در دسته‌ی نخست ذکر شده است (ن.ک: همان، ۱۹۹).

با توجه به اینکه دسته‌ی سوم در ادامه‌ی دسته اول قرار می‌گیرد و همان مفاهیم دسته‌ی اول را از زاویه‌ای دیگر بیان می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که دسته‌ی سوم نسبت به دسته‌ی اول، دسته‌ای فرعی است و تنها نکته‌ای که به دسته‌ی اول اضافه می‌کند، این است که عدم اطاعت از کافران و منافقان، پیمان خداوند از پیامبران است و این پیمان آنقدر مهم است که تکلیف انسان‌ها در قیامت به وسیله‌ی همین پیمان مشخص می‌شود.

بنابر آنچه از بررسی سه دسته سیاق نخست به دست می‌آید، این است که موضوع «عدم اطاعت از کافران و منافقان به عنوان پیمان الهی پیامبران» محور این سیاق است و همه‌ی موضوعات مذکور در این سیاق، در مقام تبیین و توضیح این موضوع هستند.

۵-۲. غرض سوره‌ی احزاب

مفسران، اغراض گوناگونی را برای سوره‌ی احزاب استنباط کردند. این گوناگونی با وجود اشراف مفسران بر محتوای سوره، به جهت تفاوت نگرشی و اختلاف روشی میان مفسران است. البته این گوناگونی به معنای تعارض و تناقض میان آنها نیست، بلکه همه‌ی اغراض گفته‌شده می‌توانند درست باشند، هرچند کامل و دقیق نباشند. مطالعه‌ی تفاسیر کل‌نگر نشان می‌دهد که سوره‌ی احزاب، اغراض زیر را دنبال می‌کند:

۵-۲-۱. تبیین برخی معارف و احکام دینی

برخی از مفسران، غرض سوره را در گستره‌ی اعتقادات و احکام شرعی دیدند و سوره را در مقام تبیین آموزه‌های شرعی اعم از آموزه‌های اعتقادی و فقهی دانستند (ن.ک:

روش به کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان زاده ۳۲۹

طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۳/۱۶؛ مکارم، ۱۳۷۱: ۱۸۴/۱۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۲۶/۲۱؛ طنطاوی: ۱۶۸/۱۱). این گونه غرض گذاری سوره، ناشی از اصالت و محوریت اصول و فروع شرعی نزد مفسر است. به گونه ای که مفسر با مشاهده ی برخی از این آموزه ها - های اصولی و فروعی نتیجه می گیرد که غرض و محور سوره، پیرامون همین آموزه ها طراحی شده است. حال آن که آموزه های اصولی و فروعی، موضوعی کلی و پیرامنه است که در همه سوره های قرآن دیده می شود و می توان آن را به عنوان غرض همه ی سوره های قرآن معرفی کرد. از سوی دیگر، غرض سوره، موضوعی مهم و بنیادین است که بتواند محور ارتباطی میان دیگر موضوعات مذکور در سوره را برقرار کند. بنابراین کشف چنین موضوع بنیادینی نیازمند اشراف جامع و دقیق بر همه ی موضوعات مذکور و ارزش گذاری آن ها در سوره است و صرف ذکر موضوع در سوره نمی توان آن را به عنوان غرض قلمداد کرد. سومین دلیل بر رد این دیدگاه، این است که بررسی جایگاه آموزه های اصولی و فروعی در سوره نشان می دهد که آن ها در سیاق خود از جایگاهی فرعی برخوردار هستند و نمی توانند غرض سوره قرار گیرند.

۵-۲-۲. تبیین برخی آداب اجتماعی

گروهی از مفسران، سوره ی احزاب را با رنگ و بوی آداب اجتماعی عجین کرده اند (ن.ک: زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۲۶/۲۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۶۸/۱۱). آن ها در مطالعه و تفسیر سوره با برخی آداب اجتماعی در سوره مواجه شده اند و همین مواجهه، آنان را بدین سو سوق داده است که غرض سوره را در محدوده ی آداب اجتماعی تعریف کنند. جهت ارزیابی این دیدگاه، لازم است که آداب اجتماعی مذکور در سوره جستجو گردد و جایگاه آن ها در سیاق و سوره ارزش گذاری شود. اگر این آداب اجتماعی از جایگاهی اصلی و بنیادین برخوردار باشند، می توان آن ها را به عنوان غرض سوره پذیرفت.

بررسی جایگاه آداب اجتماعی مذکور در سوره، چون «پرهیز زنان از سخن‌گویی با ناز و عشوه»، «ماندن در خانه»، «پرهیز از تبرج»، «حفظ حجاب» و ... نشان می‌دهد که این موضوعات از جایگاه کانونی در سیاق خودشان و سوره برخوردار نیستند و تابعی برای موضوعات مهمتر هستند؛ به عنوان نمونه، موضوع «پرهیز زنان از سخن‌گویی با ناز و عشوه» در آیه‌ی ۳۲ موضوعی مستقل نیست، بلکه این موضوع در مقام بیان یکی از ویژگی‌های رفتاری منافقان است که امکان یا وقوع آن در برخی از همسران پیامبر اجتناب‌ناپذیر است و همسران پیامبر در معرض نفوذ جریان نفاق بودند (ن.ک: لایقی، ۱۳۹۹: ۲۷۸). شاهد بر این مدعا، عبارت «فَيَطْمَعُ أَلْدَىٰ فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» است که منظور از بیماردلان در آن، منافقان است (طوسی: بی تا: ۳۳۸/۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۴۱/۲۱). اینکه منافقان در سخن‌گویی نازدار زنانه طمع می‌کنند، نشان می‌دهد که زن نازدارگو، خود بهره‌ای از نفاق در وجود دارد که بدین عمل گراییده است.

۵-۲-۳. گزارش برخی حوادث تاریخی

چندی از مفسران، حضور برخی حوادث تاریخی در سوره را به عنوان موضوع کانونی سوره برگزیدند. آن‌ها به‌طور خاص، گزارش حوادثی چون غزوه‌ی خندق، ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با دختر عمه‌اش زینب (قرشی، ۱۳۷۵: ۳۰۳/۸) و ماجرای بنی قریظه (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۳/۱۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۲۶/۲۱) را غرض سوره شمرده‌اند. این نگاه تاریخی به قرآن، گاه تا جایی پیش رفته است که برخی مفسران، سوره‌ی احزاب را در مقام گزارش دوره‌ی زمانی پس از غزوه‌ی بدر تا پیش از صلح حدیبیه برشمرده‌اند (قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۱۸/۵).

در مورد این دیدگاه باید گفت که نگاه تاریخی محض به کتاب قرآن، نگاهی نادرست است (ن.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰۸/۲) و این نوع نگاه با غرض هدایتی و

روش به کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان زاده ۳۳۱

تربیتی این کتاب سازگار نیست. بنابراین با توجه به شأن و رسالت کتاب قرآن، حوادث تاریخی در مقام تبیین و القای مفاهیم دینی هستند و این مفاهیم دینی هستند که غرض سوره را تشکیل می‌دهند. چنانکه برخی از مفسران، این غرض تاریخی را چنین تبیین می‌کند که سوره‌ی احزاب انبوهی از حوادث و نظامات جامعه‌ی اسلامی را پوشش می‌دهد. اما این حوادث و نظام‌ها با اصول دینی، چون باورمندی به خداوند و تسلیم در برابر قدرت او پیوند داده می‌شوند. در واقع سوره، حاوی برگشت بخشی از نظامات جامعه‌ی اسلامی و بیان اصول و فروع دینی است؛ همان گونه که اوضاع و فرهنگ جاهلی را تعدیل یا ابطال می‌کند (قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۱۸/۵). این نوع استفاده از گزاره‌های تاریخی قرآن جهت فهم آموزه‌های دینی است که می‌تواند ما را به غرض سوره رهنمون سازد. گو اینکه توقف در گزاره‌های تاریخی و بسندگی به برداشت‌های تاریخی از آنها، مقصود جزئی و نیمه‌کاره‌ای است که مفسر را از غرض اصلی باز می‌دارد.

۴-۲-۵. تبیین رفتارهای منافقان در برابر پیامبر و جامعه‌ی ایمانی

برخی مفسران، حضور الفاظ و مفاهیم دال بر منافقان و رفتارهای کارشکنانه و دشمن-ورزانه‌ی آنها در سوره را در نظر داشتند و همین موضوع را به عنوان غرض و موضوع کانونی سوره برگزیدند. برای نمونه به دیدگاه مفسران ذیل اشاره می‌شود:

✓ موضوع کانونی سوره، ابطال برخی رفتارهای منافقان در جامعه‌ی اسلامی و ضمناً توجه به شجاعت جبهه‌ی ایمانی در جنگ‌ها است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۵۵/۱۰).

✓ مقصود اصلی سوره، رسوا کردن (حجازی، ۱۴۱۳: ۷۱/۳) و ابطال برخی رفتارهای منافقان، چون حرمت ازدواج با همسر مطلقه‌ی پسرخوانده (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۷/۲۱) و تبیین آزارها و طعن منافقان در قبال پیامبر، ازدواج‌های ایشان و ... (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۳/۱۴؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۷۱/۳) است.

✓ سوره‌ی احزاب، بیشتر پیرامون موضوع «تطمیع کافران و تهدید منافقان و یهود» بحث می‌کند. چنانکه از ابن عباس نقل شد که برخی از اهالی مکه مانند ولید بن مغیره و شیبه بن ربیع از پیامبر خواستند (مراغی، بی‌تا: ۱۲۳/۲۱) که از دعوت خود دست بکشد تا بیشتر دارایی‌شان را به او بدهند و منافقان و یهود مدینه نیز پیامبر را تهدید کردند که اگر از دعوت خود دست بردارد، او را خواهند کشت. در چنین وضعیتی بود که آیات احزاب نازل شدند (همان، ۱۲۴). وضعیتی که کافران، منافقان و یهود حضور پررنگی در آن داشتند و آن‌ها همه‌ی تلاش خود را به کار گرفتند تا در جامعه‌ی اسلامی رخنه و گسست ایجاد کنند. گاه با راه‌اندازی جنگ نظامی در پی این هدف بودند و یا با اختلال در اوضاع اجتماعی و آداب فرهنگی (قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۱۸/۵). در این دیدگاه، موضوع منافقان و ابطال رفتارهای جاهلانیه‌ی آن‌ها، چون آزار و اذیت پیامبر، خانواده‌ی ایشان و جامعه‌ی ایمانی را به عنوان غرض سوره‌ی احزاب معرفی می‌کند. در حالی که آیات این سوره هیچ‌گاه با خطاب به منافقان آغاز نشده است و همه‌ی خطاب‌ها متوجه پیامبر، خانواده‌ی پیامبر و مؤمنان هستند (ن.ک: آیات ۷۰/۶۹/۵۹/۵۳/۵۰/۴۹/۴۵/۴۱/۳۲/۳۰/۲۸/۹/۱).

این خطاب‌ها نشان می‌دهد که موضوع منافقان به تنهایی نمی‌تواند غرض سوره قرار گیرد. هر چند حضور پررنگ این موضوع در سوره می‌تواند آن را به عنوان یکی از عناصر و مؤلفه‌های موضوع کانونی سوره معرفی کند.

۵-۲-۵. غرض برگزیده

با توجه به اغراض مذکور، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در سوره‌ی احزاب، جبهه‌ی کفر و نفاق حضوری پررنگ دارند و دست در دست هم با کمک یهود مدینه، مصمم شده‌اند

روش به‌کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان‌زاده ۳۳۳

تا از هر راهی که شده، جلوی رشد اسلام را سد کنند. آن‌ها گاه با رهبر اسلام مواجه می‌شدند و با خرده‌گیری بر اعمال و رفتار ایشان، هدف شیطانی خود را پی می‌گرفتند و گاه برای نفوذ در بیت رسالت تلاش می‌کردند. همچنین گاهی بر آن بودند که جسم و جان مؤمنان را با اقدامات نظامی و فرهنگی بتاراندند. اما سوره‌ی احزاب کدام موضوع را به عنوان غرض خود در دستور کار دارد که هم ناظر به جبهه‌ی کفر و نفاق باشد و هم با خطابات سوره و همه‌ی موضوع‌های مذکور در آن، سازگاری و ارتباط مفهومی برقرار کند؟

آخرین تلاش‌های پژوهشی در غرض‌شناسی سوره‌ی احزاب، توانسته‌اند عناصر دیگر غرض سوره را شناسایی کنند. برخی از این تلاش‌ها، «حمایت همه‌جانبه از پیامبر در برابر احزاب گوناگون» (لایقی، ۱۳۹۹: ۲۷۸) را غرض و مقصود شمردند. این غرض از عنصر پیامبر رونمایی می‌کند که عنصری پرتکرار در سوره است و به‌طور ویژه در خطابات سوره زیاد ذکر شده است (آیات ۱/۲۸/۴۵/۵۰/۵۹). هرچند عنصر حمایت، عنصری تابع و پیرو است؛ زیرا این عنصر به‌طور صریح در سوره مطرح نشده است و عنصر ناصریح نمی‌تواند در غرض سوره جای گیرد.

پژوهشی دیگر در این زمینه، «تسلیم شدن در برابر خدا و رسول و اطاعت محض از دستورات الهی جهت خنثی‌سازی توطئه‌های علیه پیامبر و مؤمنان» (حکم آبادی، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۷) را غرض سوره معرفی کرده است. در این پژوهش، در کنار عنصر منافقان که بیشترین توطئه‌ها را ایجاد کردند، از عنصر اطاعت، خدا و رسول یاد شده است که در سوره حضوری چشمگیر دارند و چندین بار در سوره تکرار شده‌اند (ن.ک: آیات ۳۳/۴۸/۶۶/۶۷/۷۱).

۵-۲-۶. مقایسه‌ی غرض برگزیده با محور سیاق نخست

با توجه به نتایج به دست آمده از نظرات مفسران و محققان، می‌توان گفت که در سوره‌ی احزاب، عناصر معنایی «اطاعت از خدا و رسول» و «منافقان» از جایگاه محوری برخوردار هستند و می‌توانند در غرض سوره جای گیرند. اگر این عناصر معنایی با محور سیاق نخست سوره مقایسه شود، می‌توان نتیجه گرفت که میان غرض سوره و محور سیاق نخست، سه عنصر «خدا»، «پیامبر» و «منافقان» مشترک هستند و میان عنصر «اطاعت» و «عدم اطاعت» رابطه‌ی تضاد دیده می‌شود که این رابطه، ناشی از تفاوت در متعلقات اطاعت و عدم اطاعت است و می‌تواند پیوند غرض سوره با محور سیاق نخست را برقرار سازد. اشتراک سه عنصر معنایی و وجود یک رابطه‌ی تضاد نشان می‌دهد که محور سیاق نخست، این ظرفیت را دارا است که بسیاری از عناصر معنایی موجود در غرض سوره را رونمایی کند و ذهنیت خواننده را نسبت به غرض سوره در همان ابتدای مطالعه‌ی سوره، تا اندازه زیادی روشن سازد.

۶. نتیجه‌گیری

با اثبات کارآمدی روش به‌کارگیری سیاق نخست در کشف غرض سوره، گزاره‌های زیر قابل نتیجه‌گیری است:

شناسایی غرض سوره، نیازمند گذر از مراحل گوناگون است.

گام اول جهت رسیدن به غرض سوره، کشف محور سیاق نخست است.

سیاق نخست، جایگاهی اصیل و مهم در ساختار سوره دارد.

سیاق نخست سوره، ضریب اطمینان بیشتری در کشف دقیق غرض ایجاد می‌کند.

سیاق نخست، ظرفیت ارائه همه یا بخشی ویژه از غرض سوره را داراست.

روش به‌کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان‌زاده ۳۳۵

جهت کشف محور سیاق نخست، از قواعد زبانی «سبقت ذکری»، «کثرت ذکری» و «حذف» استفاده می‌شود.

توجه ویژه به سیاق نخست سوره‌ی احزاب، توانست عناصر قابل‌توجهی از سوره را کشف کند.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳). التفسیر الواضح، بيروت: دارالجیل.
- حکم‌آبادی، حجت‌الله و همکاران (۱۳۹۸). «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌ی مبارکه احزاب»، کتاب قیم، ش ۲۱، ص ۳۸-۷.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، دمشق: دار الفکر.
- صباحی طسوجی، علی (۱۳۸۸). روش تدبر در سوره‌های قرآن کریم، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: مؤسسة الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی - هاشم رسولی، تهران: ناصرخسرو.
- طنطاوی، محمدسید (۱۹۹۷). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة مصر.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- فخررازی، محمد (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن‌الحديث، تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصرخسرو.

- قطب، سید (۱۴۲۵). فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- لایقی، فاطمه و عباس همامی (۱۳۹۹). «ساختار معنایی سوره‌ی «احزاب» و جایگاه آیة‌ی تطهیر در آن». پژوهشنامه‌ی قرآن و حدیث، ش ۲۶، ص ۲۸۰-۲۵۵.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن، تهران: دار محبب‌ال‌حسین.
- مراغی، احمدمصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب‌ال‌اسلامیة.

Bibliography

The Holy Quran.

- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, Tafsir al-Tahrir wa al-Tanweer, Beirut: Institute of Arabic History, 1420AH.
- Hijazi, Mohammad Mahmoud, Al-Tafsir Al-Wazeh, Beirut: Dar Al-Jil, 1413AH.
- Hakkamabadi, Hojatullah; Raisian, Gholam Reza; Esmaili Zadeh, Abbas, Kashfe estedlali sakhtar wa gharaze sureh ahzab, Kitab Qayyim, Vol. 21, 2018AD, pp. 7-38.
- Zoheili, Wahba, al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj, Damascus: Dar al-Fakr, 1411AH.
- Subohi Tasoji, Ali, Raveshe tadabbor dar sourehaee Qurane karim, Tehran, Supreme Council of Cultural Revolution, 1388SH.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-Alami Institute, 1390SH.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, edited by Fazlullah Yazidi Tabatabayi - Hashim Rasouli, Tehran: Nasser Khosrow, 1372SH.
- Tantawi, Mohammad Seyed, al-Tafsir al-Wasit l al Qur'ane alkarim, Cairo: Nahdeh Misr, 1997AD.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar Ihyaya al-Trath al-Arabi.
- Fakhr Razi, Muhammad, Al-Tafsir Al-Kabeer (Mufatih al-Gheeb), Beirut: Dar Ihiya al-Trath ol-Arabi, 1420AD.
- Qurashi, Ali Akbar (1375SH), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Baath Foundation.
- Qortobi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jaami Lahakma Al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow, 1364SH.

روش به‌کارگیری سیاق نخست، جهت کشف غرض سوره در ... / جواد سلمان‌زاده ۳۳۷

Qutb, Seyyed, Fi zelal al Qur'an, Beirut: Dar al-Sharouq, 1425AH.

Qommi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir al-Qami, Qom: Dar al-Kitab, 1363SH.

Laighi, Fatima; Hammami, Abbas, Sakhtare manaei sourehe ahzab va jaygahTathir dar an, Qur'an and Hadith Research Journal, Vol. 26, 1399SH, pp. 255-280.

Madrasi, Mohammad Taqi, Men Hoda al-Qur'an, Tehran: Dar Mohebi Al-Hussein, 1419H.

Maraghi, Ahmad Mustafa, Tafsir al-Maraghi, Beirut: Dar al-Fakr.

Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nomoneh, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, 1371SH.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی